



گرامی داشت یاد شهیدان غواص
با حضور مادر شهید معلمی

ویژه نامه



شماره ششم

خاطره بازی با خسرو سینیایی
از دل افروز ترین تابستان
خاطره ای با من است

این جا شمعی روشن است

سرمقاله

اینجا مفت مفت به شما خوش می گذره!



علی صادقی
دبیر کمیته رسانه
تابستان شاد ساری

گوش شیطان کر و چشم آن ملعون کور، مجموعه برنامه های تابستان شاد ساری، به همت پولی که نیست و عشق و رفاقتی که هست، دوماهه شد!

حالا دیگه مردم ساری و شهرهای اطراف، حداقل به مدد فضای مجازی خوب می دونند تابستان شاد چه آش هایی واسشون پخته و به احتمال، خیلی ها که الان این خط خطی ها رو می خونند، در یک یا چند برنامه تابستان شاد شرکت و از این آش ها میل کرده اند!

تو اگه سخت گیرترین و بی حوصله ترین و کم خنده ترین شهروند ساری هم که باشی، در لیست هفتادگانه برنامه های تابستان شاد، حداقل به برنامه رو می پسندی که وادارت کنه از خانه بزنی بیرون و دستبخت دست اندرکاران تابستان شاد را بچشی! حالا به وقتایی شور یا بی نمک هم می شه، اما چشیدنیه واقعا! مگه غذای مامان بعضی وقتا بی مزه نمی شه؟! می شه؛ ولی مامانه دیگه، نخوری گشنه می مونی.

فکر کن توی این بی پولی، فشار و بخل و حسادت بعضی جاها و تبلی و زهوار در رفتگی بعضی جاهای دیگه، دورهمی برای مردم شهر خودت برنامه های جورا جور بچینی. (از اتاق فرمان اشاره می کنند گرمای هوا را هم به موارد بالا اضافه کن!); بعد تونه شهروند ساری، عصرها به جای تماشای این برنامه ها، بشینی تو خونه المپیک تماشا کنی و حرص بخوری و شاهد باخت و گریه ورزشکار هامون باشی!

آقا، خانم! نخوری گشنه می مونی، نری تو برنامه های تابستان شاد، کس دیگه دلش برات نمی سوزه که برای اوقات فراغتت دست و دل بازی کنه، اون هم مفتکی! پولش رو دارنا، اما باورش و فکرش رو ندارن؛ میگن اوقات فراغت و خنده و شادی و دل خوش، سیری چند؟! همین سیری که شده کیلویی ۱۲ هزار تومن!

این جماعت می گن گریه حق مردمه، شادی هم عیبیه و خطر داره! اصلا "اگه زیاد بخندی «کتار» ات در می ره، گناهه، بعد از هر خنده هم گریه ای در کاره! اینارو جدی گفتما! مگه خبر نداری خنده و شوخی و نشاط، در طول تاریخ این مملکت مخالف های قدرتمندی داشته؟! از حاکم گرفته تا حکیم!

حاکم ها که خلق الله ملک لایمک شون بودند، هیچی، به کنار! (عربی رو داشتین؟!); اما حکیم ها چی چی گفتن؟ اگه نظرت درباره ناصر خسرو عوض نمی شه و دچار تحول چهل سالگی نمی شی، یه نمونه برات می نویسم که اون بنده خدای شاعر و حکیم، چه قدر با خنده مخالف بود! (این هوا مخالف بود؛ ببینید... از این جا... دقیقا... اینجاست!)

با گروهی که بخندند و بخنداند چه کنیم؟ چون نه بخندم، نه بخندانم خنده از بی خردی خیزد، چون خندم؟ چون خرد سخت گرفته است گریبانم آقای ناصر خسرو خان خنده رو از بی عقلی دونسته و عنصرالمعالی کیکاووس هم که مثلا "همولایتی ما بود، به پسرش نصیحت کرده که: «بدان ای پسر که مزاح و شوخی اصل هر شر و بدی است.»

حضرت عباسی شناس آوردیم پسر ناصر خسرو یا کیکاووس و یا امام جمعه مشهد نیستیم! ما به شوخی و شادی نیاز داریم، چرا؟ چون هر چه سن مون بالاتر می ره این آمادگی رو پیدا می کنیم که افرادی عبوس و غمگین و ناشاد بشیم. (این جمله رو جدی گفتیم به خدا، شوخی نکردم!)

به قول ارسطو (ارسطو داداش پرستو منظورم نیست، اون یکی ارسطو) از میان همه جانوران فقط ما آدمای تونیم بخندیم و شادی کنیم. پس چرا مضایقه از شادی و خنده؟ -یکی از اون پشت بلند می که جانور خودتی!

آقا هیچی، ولش. می خواستم بگم تابستان شاد شاید شما رو همچی قهقهه ای نخندونه، اما مطمئن باشین این جا مفت مفت به شما خوش می گذره! به ما که تو این مدت خیلی خوش...

برق رفت بقیه اش تو کامپیوتر ذخیره نشد!



بادبادک ها پرواز کردند

آموزش همگانی امداد و نجات در پارک ملل

هر خانواده یک امدادگر



روزی که اسکیت سواران مانور دادند



به بهانه برگزاری مراسم آئینی سالگرد شهدای غواص، از سلسله برنامه های تابستان شاد ساری

محمدرضا خورشیدی، فعال فرهنگی در برنامه های تابستان شاد ستاد هماهنگی اوقات فراغت فرمانداری ساری، از هفته ها پیش نام مراسم آئینی سالگشت غواص های شهید می درخشید. آیینی که از یک برنامه نو، بدیع، بی تکرار، تولیدی، محتوایی و مردمی نشان داشت.

کاربدستان ستاد هماهنگی اوقات فراغت، نگاهی ویژه به این مراسم داشتند. گروه ساعت ها روی تک تک آیتام های مراسم شهدای غواص، بحث و بررسی انجام داد. برنامه بر اساس ایده طراحی شده در موعد مقرر در پارک ملل برگزار شد. در شبی که افشار مختلف مردم، خانواده شهدا و مسئولان شهری حضور داشتند.

صحنه و دکوراسیون محیطی گویای تلاش بی وقفه و چندروزه بود. همه در تکاپو بودند. دو نفر از دانش آموزان عضو طرح سیمرغ تابستان شاد، حضور مادر شهید غواص "محمد صادق معلمی" در منزل شان رسیدند. مادر، خاطرات فرزند را از تولد و نامگذاری تا خواب دیدن، الهامات و نکته های ظریف زندگی بیان کرد. آن گاه دو دختر دانش آموز خبرنگار عضو خانه دانش آموزی آموزش و پرورش ناحیه یک ساری حضور در مراسم را از مادر شهید طلب کردند.

مادر ابتدا امتناع کرد، اما پس از اصرار پذیرفت. در پایان دیدار هم بچه ها با مادر شهید معلمی عکسی به یادگار گرفتند. حالا همه سی دانش آموز همکار ما انرژی مضاعف می گیرند.

وقتی قاری قرآن آیه "ولا تحسبن الذین... عند ربهم یرزقون" را قرائت کرد، وقتی سرود جمهوری اسلامی به صورت زنده توسط گروه موزیک نیروی انتظامی مازندران نواخته شد، وقتی شعر و ترانه مادر خوانده شد، وقتی خاطره گویی و صحبت مادران شهید معلمی و رادمهر اجرا شد، همه و همه پیوند نسل آینده ساز دانش آموزان را با نسل حماسه آفرین به خوبی هویدا ساخت.

لحظه ای که اکبر رستگار - خواننده نام آشنا و بومی خوان - پس از بیانات مادران شهید - معلمی و رادمهر - قطعه لایه و مادر را اجرا کرد، فضای مراسم دگرگون شد و باران اشک مراسم را در سیطره خود گرفت.

برادر شهیدی به مسئولان برنامه می گوید تا به حال چنین برنامه ای پر از احساس، مردمی و معنوی ندیدم، من حضور شهیدم را احساس می کنم و بعد بغض می ترکد.

صحنه ای بی نظیر و رویایی خلق شد. در لایه لای نور عکاسان، فیلمبرداران و موبایل به دستان، آیین بزرگداشت شهدا رویایی شده بود. رقص جنون عاشقان کربلای چهار در لابلای سوزناکی دکلمه مازندران و موزیک متن سمفونی ایثار مجید انتظامی و خوانش "سرزمین نینوا یادش بخیر - سرزمین جبهه ها یادش بخیر" و جنبش برگ های نخل در باد، سوسوی شمع ها و اشک حضار و آب روان رودخانه تجن در پارک ملل به ما الهام می دهد که ایستاده ایم به رشادت مردان حماسه و خون.

طراحان برنامه قطعا در عمق احساس، فکر و اندیشه نوجوانان و جوانان رسوخ کردند که این چنین در برپایی، فرم و شکل و محتوا به هدف خود رسیدند. قطعا این برنامه زیبایی های دیگری را نیز به رخ کشید که حضور شهروندان ساری و مهمان شان بود که تا پایان با نظم و وصف ناپذیر در مراسم حضور داشته، برنامه را تعقیب کردند.

مردم در همه تیپ ها، سلیق و پوشش با احترام خاص در این مراسم عاشقانه حضور یافتند، اما دو خانم روی زمین نشسته اند و گروه تشریفات هر چه اصرار کردند روی صندلی بنشینند، اشک ریختند و گفتند: "آنها رفتند، ما چه باشیم؟ این کمترین احترامی است که به شهدا می کنیم."

مدیریت و حضور دانش آموزان و دانشجویان در آرایش و برپایی ایستگاه ها، زیباسازی فضای فرهنگی ایستگاه اجرای سرود، شربت صلواتی، گروه موزیک، ایستگاه اسپند و عود، ایستگاه شمع و گل، ایستگاه گروه پیشخان و فرزندان، استقبال از مهمانان، همراهان گل به دست کنارمادران شهید، گل افشانی به یاد شهدا و فانوس به دستان با لباس های متحد الشکل از ویژگی های بارز این مراسم بود.

دکور صحنه با وسایل ساده به دست جوانان با چند برگ نخل، پرچم و فانوس طراحی شد. وقتی دکلمه مازندران "پسر ته بوردی من چکار ها کنم" توسط مجری اجرا می شد نخل با نسیم و باد ملایم وزیدن گرفت. آیین افروختن شمع به یاد شهدای غواص در کنار آب رودخانه تجن یکی از برنامه های اصلی این مراسم آئینی بود که با وسواس و دقت مکان یابی ها و استفاده از ساده ترین امکانات طراحی و مهندسی شده بود که نوجوانان و جوانان با همراهی مربیان آن را اجرا کردند.

موقعی که مجری در پایان مراسم اعلام می کند به احترام و به یاد ۱۷۵ شهید غواص کشور و ۳۰ شهید غواص مازندران و شهید غواص ساری هر کدام شمع ها را روشن کنیم، آهنگ نی نوا فضا را به بوی وجود شهدا عطر آگین کرد و جمعیت اشک ریزان عاشقانه شمع برپا کردند و

این جاشمعی روشن است



و سپس به خدای بزرگ سپردم. یادش گرامی باد.»

از خدا تا خدا

همچنین مادر شهید رادمهر هم در این مراسم به بیان سخنانی پرداخت و گفت: «شب آخری که برای خداحافظی به منزل ما آمد همه سوال های من را به خداوند ربط دارد. پرسیدم کجا می روی، گفت ملک خدا، برای چه می روی؟ اطاعت امر خدا و انجام فرامین خدا. حتی پرسیدم فرزندان تان را به چه کسی می سپارید که پاسخ داد به خدا می سپارم. این نشان می دهد معرفت به خداوند در همه شهدا زنده شده است. نخستین چیزی که باید بدانیم شناخت پروردگار است. ما برای بازگرداندن پیکرهای مطهر شهدای مان نه گریه و زاری و التماس می کنیم نه استغاثه؛ بلکه راضی به رضای خدا هستیم.»

خطر نشان می کنیم اقشار مختلف مردم در این برنامه به همراه مادران شهدا، شمعی را به یاد شهدا روشن کردند. محمد دامادی - نماینده مردم ساری و میاندوود - هم در این مراسم حضور داشت و شمعی را به یاد شهدا روشن کرد.

که هیچ وقت امام را تنها نگذارید که راه امام راه خدا و اسلام است. از تهران تماس گرفتند که شهید شما شناسایی شده است. ابتدا باور نکردم. شهید من نشانه ای با خود داشت. به هوش که آمدم قبول کردم. شهید عزیزم نشانه ای همراه با لباس غواصی به همراه داشت، با دل و جان، استخوان های مطهر عزیزم را در آغوش گرفتم

و صبر حضرت زینب (س) می افتادم و آرام می گرفتم. نامه هایش بیشتر من را به صبر دعوت می کرد. در همه نامه هایش از امام خمینی (ره) سخن می گفت

«تورا در هاله ای از نور می خواست تورا در برگ گل، مستور می خواست فقط خاکستری بر دوش ما بود خدا شاید تورا این جور می خواست سالگرد شهیدان غواص دست بسته را به تمامی خانواده شهدا تبریک و تسلیت عرض می کنم. شهید معلمی در سن نوجوانی بسیار آرام و مطیع بود و نسبت به مردم بسیار مهربانی می کرد. اوایل انقلاب فعالیت بسیاری داشت. نخستین بار بدون اجازه ما بود که به منطقه رفت و پس از آن اصرار کرد تا برای عزیمت به جبهه، موافقت ما را گرفت و تا آخر به شهادت رسیدن، در جبهه بود. چقدر سخت بر مادر می گذرد تا بتواند این همه مسائل را تحمل کند و من همیشه به یاد امام حسین (ع)

مراسم آیینی همراه با روشن کردن شمع و برنامه های دیگر، به یاد شهیدان غواص با حضور مادر شهید معلمی - از شهدای غواص کربلای ۴ - برگزار شد.

گروه گزارش، کلثوم فلاحی: مراسم آیینی بزرگداشت شهدای غواص از سری برنامه های تابستان شاد ساری، شامگاه بیستم مردادماه با حضور مادر شهید غواص محمدصادق معلمی و مادر شهید رادمهر از - شهدای خان طومان - اجرا شد. اجرای گروه سرود دانش آموزی در وصف شهدا، اجرای تصنیف در وصف مادران شهدا، تواشیح و ... از برنامه های مراسم بزرگداشت شهدای غواص بود.

خدا شاید تورا این جور می خواست مادر شهید محمدصادق معلمی در این مراسم، دل نوشته ای را قرائت کرد که در بخشی از آن آمده بود:



گروه گزارش، کلثوم فلاحی:

چهارشنبه ۲۷ مردادماه خانه کلبادی ساری، میزبان جمع زیادی از مردم بود که برای حضور در برنامه "عصرانه ای برای آزادگان" گرد هم آمده بودند.

آزادگان در فضایی صمیمی در کنار اقشار مختلف مردم، به بیان خاطره پرداختند و شبی ماندگار را رقم زدند. آقای سلیمی از آزادگان جنگ تحمیلی است که به همراه همسر خود خانم ماشین چیان، خاطره ای از دوران اسارت بیان کرد:

«در زندان های عراق، نگرهبانی داشتیم که ۱۰ سال در اهواز کارگر بود و زبان فارسی را خیلی خوب صحبت می کرد. او بسیار شکنجه گر و بی رحم بود. یکی از شب های اسارت در تکریت بود که به سمت زندان ما آمد، حرفی از اسرا شنید و تصمیم گرفت اسرا را شکنجه کند. در میان خودمان ۱۵ مجروح جنگی داشتیم که اینها را حتی به درمانگاه هم نبرده بودند. در ضمن ما زیر نظر صلیب سرخ نبودیم و هر بلایی می خواستند سر ما می آوردند.

تصمیم گرفتیم هر کدام ۱۴ بار آیه الکرسی بخوانیم تا از شر شکنجه این فرد در امان بمانیم. یک ساعت بعد بود که متوجه شدیم آن نگهبان را برای ماموریت ۱۴ روزه ای به بغداد فرستاده اند. آنجا بود که به تاثیر آیه الکرسی بیشتر از قبل ایمان آوردیم.»

۹ هزار خاطره داریم

سردار بی غم از دیگر آزادگانی است که ۹ سال در زندان های عراق در اسارت به سر برد. این آزاده سرفراز گفت: ۲۷ کشور به شکل مستقیم و ۸۰ کشور به شکل غیرمستقیم در جنگ ایران و عراق، به عراق کمک کردند. وی ادامه داد: ما اسرایی بودیم که در لیست صلیب سرخ قرار داشتیم و شکایات خود را عنوان می کردیم. اسرای سال ۶۷ را صلیب سرخ ندیده بود و اینها جز خدا، کسی را نداشتند. در زندان ما تعداد زیادی از اسرا، حافظ قرآن و نهج البلاغه بودند. هر کسی هر چیزی را می دانست به برادر خود هم آموزش می داد. بچه های ما با وحدت کلمه، زندان بان ها را اسیر اتحاد خود کردند. نگرهبانی داشتیم که اگر عمر و عاص نبودند حتما از نواده آنها بودند. در ۹ سال

اسارت، بیش از ۹ هزار خاطره داریم که در سینه من است.

آزادگان میراث اصلی کشور هستند

فرماندار ساری در این مراسم با عرض تبریک به مناسبت سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، گفت: با توجه به محدودیت و مشغولیت حدود ۷۰ برنامه در ستاد تابستان شاد پیش بینی شده و برگزاری این برنامه ها اثر گذاری اجتماعی در جامعه دارد.

احمد حسین زادگان با بیان اینکه تابستان و تعطیلاتش بهانه خوبی است تا خانواده ها در کنار هم باشند، اظهار داشت: هدف از برگزاری این برنامه ها اجرای تفریح سالم و کم هزینه برای خانواده ها است.

وی با اشاره به اینکه نتوانستیم به خوبی، زحمات آزادگان و خانواده شهدا را به نسل جدید ارائه دهیم، افزود: باید در انتقال درست فرهنگ شهادت و آزادگی کوشا باشیم.

این مسئول، از شهدا به عنوان سند همیشه زنده تاریخ نام برد و تصریح کرد: آزادگان میراث اصلی کشور ما هستند و اجرای این گونه برنامه ها پل ارتباطی مجموعه ما با مردم است.



عصرانه ای برای آزادگان

آزاده های سرفراز ساری برای مردم خاطره تعریف کردند

اچودره میزبان جنگل نوردان

گروه خبر، کلثوم فلاحی: جنگل نوردی و آشنایی با جنگل هیرکانی، یکی از برنامه های تابستان شاد ساری بود که ۱۵ مردادماه برگزار شد.

این برنامه با حضور جمعی حدود ۱۸۰ نفره که حضور بانوان پرنگ تر بود، در جنگل اچودره، حوالی سد سلیمان تنگه اجرا شد. برنامه با رویکرد طبیعت گردی و آشنایی با جنگل هیرکانی برگزار شد و جنگل نوردان، هفت کیلومتر پایانی مسیر را پیاده روی کردند تا به محل برگزاری برنامه برسند. گفتنی است کارشناسان حوزه منابع طبیعی و محیط زیست در این برنامه، کارگاه آموزشی برگزار کردند.





عکس: اکبر قاسم پور

بادبادک ها پرواز کردند

گروه خبر، فاطمه عربی:

با حضور اسماعیل حسن زاده معاون فرماندار ساری و حسین دلیری رییس ورزش و جوانان ساری، در کنار جمع زیادی از مردم که به ساحل فرح آباد آمده بودند، جشنواره پرواز بادبادک ها برگزار شد. این برنامه جذاب که از سری برنامه های تابستان شاد ساری بود، عصر ۲۲ مردادماه اجرا شد. برنامه از حدود ساعت ۱۷ با به پرواز در آمدن حدود ۱۰۰ بادبادک آغاز و در پایان به برترین ها در دو بخش نونهال و بزرگسال جایزه هایی اهدا شد. در ادامه نیز مراسم جشن شادی به همراه اجرای موسیقی، تقلید صدا، اهدای جایزه و برنامه های دیگر در ساحل دریا برگزار شد. گفتنی است در این برنامه شاد و مفرح که با استقبال خانواده ها اعم از والدین و کودکان روبه رو شد، مسافران از سایر استانهای کشور همچون تهران، خراسان، اصفهان و خوزستان نیز حضور داشتند. خاطرنشان می کنیم پرواز بادبادک ها و جشن شاد پس از آن، حدود ۴ ساعت از اوقات فراغت مردم را کنار ساحل زیبای دریای خزر پر کرد.



روزی که اسکیت سواران مانور دادند

گروه خبر، کلثوم فلاحی: عصر دوازدهمین روز از مردادماه، حدود ۷۰ نفر از کودکان، نوجوانان و جوانان به همراه مربیان خود، مانور اسکیت را در ساری برگزار کردند.

اسکیت سواران از مقابل سالن سیدرسول حسینی حرکت و از خیابان قارن و خیابان انقلاب عبور کرده و به پارک شهرداری ساری رسیدند.

همراهی خانواده ها با اسکیت سواران از ویژگی های این برنامه بود و هیات اسکیت شهرستان ساری هم همکاری خوبی در برگزاری این مانور داشت.



از ساری تانکا:

۱۲۰ دانش آموز به اردو رفتند



گروه خبر، کلثوم فلاحی:

اردوی دانش آموزی دختران و پسران در دو برنامه جداگانه تابستان شاد، ۱۴ و ۱۹ مرداد برگزار شد.

۴۰ دختر در مرحله نخست و ۸۰ پسر در مرحله دوم اردوی دانش آموزی شرکت کردند که پارک نارنج باغ نکا، مقصد این دانش آموزان بود. این برنامه های اردویی تفریحی، فرهنگی و ورزشی ساعت های شاد و پرانرژی را برای دانش آموزان رقم زد. اجرای برنامه مفرح، شرکت در رشته های مختلف ورزشی و همکاری در مسیر کار گروهی، از دستاوردهای این اردوی دانش آموزی بود.





گروه ستادی:
رئیس ستاد: احمد حسین زادگان
جانشین ستاد: اسماعیل حسن زاده
دبیر ستاد: قاسمعلی ایران منش
مدیر کمیته رسانه: علی صادقی
مدیر کمیته تبلیغات: حسین مرتضوی
مدیر کمیته پشتیبانی: محمد محمدی

گروه مهندسی:
مدیر هماهنگی کمیته ها: هادی ساعی
مدیر کمیته طرح و برنامه: قاسمعلی ایران منش
مدیر کمیته فرهنگی: محمدرضا خورشیدی
مدیر کمیته هنری: علی حسن نژاد

گروه اجرایی:
کارگروه اجرایی برنامه: نمایندگان ۴۰ دستگاه اجرایی مرکز استان
پشتیبان و حامیان: مدیران تمام دستگاه های اجرایی

**سازمان ستاد اوقات فراغت
شهرستان ساری / تابستان ۹۵**

میزبان: همه ی ساروی های نجیب و خندان

میهمانان: مردم ساری، مازندران و ایران

دبیر خانه ستاد: ۰۹۳۷۹۳۷۸۵۴۰

خاطره بازی با خسرو سینایی

از دل افروز ترین تابستان، خاطره ای با من است



خسرو سینایی - کارگردان بنام سینما - خاطرات تابستان های کودکی خود را در ساری با ما مرور می کند.

گروه گفتگو، فاطمه نوری:

نویسنده و کارگردان فیلم بلند و کوتاه و مستند، موسیقی دان، شاعر، نقاش و... هرچه بخواید در پرونده کاری خسرو سینایی می توان مشاهده کرد. او نزدیک به ۱۲۰ فیلم کوتاه و بلند و داستانی ساخته، چند مجموعه شعر چاپ کرده، موسیقی ساخته، تابلوهایی خلق کرده و اکنون در ۷۷ سالگی هم می گوید که بیکار نیست. با خسرو سینایی - هنرمند بلند آوازه ساروی - خاطره بازی کردیم.

مدارس خوب ابتدایی تهران مشغول به تحصیل شدم. دوران دبیرستان را در مدرسه البرز از مدارس خوب تهران گذراندم. هرگز در طول ۱۲ سال ابتدایی و دبیرستان تجدید نشدم و همیشه جز شاگردان اول تا سوم بودم. دلیل تابستان ها تجدیدی نداشتم که درس بخوانم. بعدها با رفتن به اروپا در دانشکده فنی وین به مدت ۴ سال در رشته معماری مشغول به تحصیل و برای اولین بار در امتحان هندسه ترسیمی تجدید شدم. چون سابقه تجدید نداشتم بسیار ناراحت شدم. از معماری به رشته سینما تغییر رشته دادم و خوشبختانه در این رشته موفق بودم.

اسکیت در حوالی ساعت

آنچه در ذهنم به عنوان یک اتفاق خاص برای بهترین تابستان عمرم باقی مانده مربوط به سال ۴۲ بود. زمانی که از وین به ایران آمده بودم و در تهران گالری هنر جدید مجموعه شعرهایم به نام «تاولهای لجن» چاپ شد. آن شب آقای نادرپور در مورد شعر نوین ایران صحبت هایی کرده بود و همزمان مجموعه ای از شعرهای من هم خوانده شد. دوران جوانی به موسیقی و ساز هم علاقه مند بودم. همزمان با چاپ مجموعه شعرهایم چند قطعه هم در آن شب اجرا کردم. از تابستان مازندران یک خاطره با مزه در ذهنم مانده. اینکه در آن زمان خیابان ها انقلاب ساری سنگفرش بود و من در یکی از تابستان ها که بیشتر از ۱۴ سال نداشتم، از میدان ساعت تا سبزه میدان شهرداری روی آسفالت و خیابان خلوت که ماشین کمتر و گاهی درشکه ای از آن رد می شد، اسکیت را به خوبی بازی می کردم. در آن دوران بازی اسکیت تازه در ایران مد شده بود، بنابراین کفش هایم را با خودم به ساری آورده بودم و چند روزی این کار را به صورت حرفه ای انجام می دادم. بچه های ساری به دنبال من از میدان ساعت تا سبزه میدان به راه می افتادند و هو می کشیدند.

با این کار خیابان شلوغ می شد تا جایی که رئیس شهر بانی پیش پدرم که فرد سرشناسی بود آمد و از او درخواست کرد که دیگر در خیابان اسکیت بازی نکنم، از آن روز دیگر نتوانستم این مسیر را اسکیت بازی کنم. ماجرای اسکیت و شلوغ شدن شهر توسط بچه ها برایم جالب بود. آن زمان خیابان اصلی سنگچین بود و کوچه های خاکی با اولین بارش باران گل می شد. یادم می آید دوستان پدرم هنگام بارندگی زمانی که به منزل ما می آمدند روی کفشهای شان یک کفش لاستیکی به نام گالش می پوشیدند تا موقع بیرون آوردن کفش از پاهای شان گل وارد خانه نشود. این کار جز رسوم آن دوران بوده است

هیچ وقت بیکار نیستم

من هیچ وقت بیکار نیستم. اگر شرایط فیلم ساختن و بودجه مربوط به آن فراهم باشد این کار را انجام می دهم. در طول عمرم در رشته موسیقی تحصیل و فعالیتیم را با شعر آغاز کردم. در حال حاضر برای یک سی دی شنیداری و اشعارم موسیقی می نویسم که امیدوارم در مهر ماه ضبط کنیم.

تابستان در ساحل فرح آباد

پدرم پزشک و رئیس بهداری ساری بود و اول ابتدایی را در مدرسه پهلوی ساری کنار مدرسه سیروس درس خواندم. بعدها به همراه برادرها و مادرم به تهران آمدم. تابستان را برای دیدار پدر به ساری می آمدم و در طول این مدت از بهترین سرگرمی های من رفتن به دریای فرح آباد به همراه دوستان و خانواده ام بود. دوران کودکیم با رفتن به کنار دریای فرح آباد گذشت، من همیشه با دریا و شنا مانوس بودم و می توانستم با حضور نجات غریق در محوطه ساحل از محدوده تعیین شده فراتر روم، اما هرگز به عنوان شناگر حرفه ای مطرح نبودم. یادم می آید آن زمان به دلیل تمیز بودن دریای فرح آباد به مدت طولانی زیر آب با چشمان باز شنا می کردیم و هرگز چشمان ما دچار عفونت نمی شد اما با گذشت زمان حجم آلودگی آب دریا بالا رفت و ما غصه دار شدیم. دیگر برای وارد کردن پایهایم هم در آب رغبتی ندارم.

سه چشمه

در نزدیکی ساری سه چشمه معروف به نام های دیوکتی، عالیواک و قل قل سر وجود داشت. چشمه دیوکتی در باغ امیر سلیمانی به صورت خصوصی بود که به عنوان نماد یک زندگی زلال و پاک و شور و شوق کودکی در ذهن من حک شده. آب چشمه به قدری زلال و روشن بود که ماهیان بی رنگ و مارهای آبی در آن شنا و سنجاقک ها (للم باز) در اطراف آن پرواز می کردند. حدود ۷ سال قبل تعدادی از جوانان مرا به ده کتی دعوت کردند، اما از آن چشمه خبری نداشتند. پیرمردی که سوپر داشت نشانی آنجا را به ما داد. بعد از رفتن به چشمه دیدیم که علاوه بر خشک شدن به چاله ای از لجن و انبار تایرهای بزرگ ماشین تبدیل شده بود.

دبیرستان با ادبیات

از زمانی که خواندن و نوشتن را آموختم بهترین لحظاتم بعد از ظهرهایی بود که روی فرش خنک دراز می کشیدم و به مطالعه مجلات آن دوره مانند ترقی می پرداختم. دوران دبیرستان با ادبیات، شعر، کتابهای ایرانی و خارجی آشنا شدم.

در چاپخانه همت

تابستان ها سرکار نمی رفتم. شرایط خانوادگی ام به ترتیبی بود که نیاز نداشتم سر کار بروم، اما نکته جالب اینکه کنار خانه ما رویه روی دهانه بازار و قسمت پایین میدان ساعت ساری، چاپخانه همت تنها چاپخانه ساری به همراه سه پسرش فعال بود و من حروف چینی و کار با ماشین چاپ را در سن ۱۴ سالگی آنجا آموختم.

بدون تجدیدی

اول ابتدایی را در ساری گذراندم تا اینکه در سال ۱۳۲۶ به تهران رفتم و من در مدرسه منوچهری از

نماینده ساری و میاندورود در مجلس:

در چند برنامه تابستان شاد شرکت کردم

□ ایده و اتاق فکر خوبی دارد

گروه گفتگو، رضا شریعتی:

محمد دامادی - نماینده مردم ساری و میاندورود در مجلس شورای اسلامی - در چند برنامه تابستان شاد ساری، از جمله مراسم آیینی به یاد غواص های شهید شرکت کرد. گفتگویی کوتاه با این عضو کمیسیون عمران مجلس کردیم.

■ تابستان شاد طرح خوبی است در جریان طرح خوب تابستان شاد ساری هستیم و در برخی برنامه های آن شرکت کردم. این طرح با برگزاری مسابقات نظیر رالی خانوادگی، اسکیت، پرواز بادبادک ها، مراسم شهدای غواص و مانند این ها تمام اقشار جامعه را درگیر کرده است.

به نظرم تابستان شاد، ایده و اتاق فکر بروزی دارد و طرح بسیار مثبتی در جهت پر کردن اوقات فراغت است که از تدابیر بسیار خوب مجموعه فرمانداری



آموزش همگانی امداد و نجات در پارک ملل

هر خانواده یک امدادگر

گروه گفتگو، فاطمه نوری: برنامه آموزش همگانی امداد و نجات، از مجموعه برنامه های تابستان شاد، با همکاری هلال احمر ساری هجدهم مردادماه در پارک ملل برگزار شد و برخی خانواده های ساروی از طریق این برنامه، آموزش امداد و نجات را فراگرفتند.

سید میلاد تقوی - مسئول شورای اجرایی جمعیت هلال احمر ساری - اظهار کرد: عملیات امداد و نجات با هدف رهاسازی و نجات مجروحان و مصدومان گرفتار در صحنه آسیب انجام می شود.

وی با بیان اینکه بسیاری از شعارها در سیستم های اداری در حد شعار بر روی کاغذ باقی مانده است، افزود: قصد داریم جذب داوطلب و آموزش آنها را خانه به خانه گسترش دهیم.

تقوی گفت: شعار هر خانه یک امدادگر برای نجات جان انسان، عمومی کردن آموزش امداد و نجات و جلب داوطلبان با کمک مردم از محورهای این برنامه ی تابستان شاد بوده است.

مسئول شورای اجرایی جمعیت هلال احمر ساری در ادامه تصریح کرد: این برنامه ها به صورت پایلوت در خانه داوطلب ساری با حضور رؤسای شاخه های خانه داوطلب ساری و کارشناسان جمعیت هلال احمر برگزار خواهد شد. وی گفت: قصد داریم جذب داوطلب و آموزش آنها را خانه به خانه گسترش دهیم.

این مسئول با بیان اینکه داوطلبان و مردم باید بدانند حادثه هر لحظه ممکن است اتفاق بیفتد خاطر نشان کرد:



مسئول شورای اجرایی جمعیت هلال احمر ساری گفت: شعار هر خانه یک امدادگر برای نجات جان انسان، عمومی کردن آموزش امداد و نجات و جلب داوطلبان با کمک مردم از محورهای برنامه امداد و نجات «تابستان شاد» بوده است.

